

# جنگ ناهمطراز: بازشناسی مفهومی

اصغر افتخاری<sup>۱</sup>

مهدی کامکار<sup>۲</sup>

## چکیده:

تحول ناشی از جنگ ها در طول تاریخ تمدن ها همواره یکی از عوامل تحول در روابط و تعامل میان ملت ها بوده است. جنگ ناهمطراز را شاید بتوان هم ناشی از همه این تحولات و هم پیامد تحول در مقابل میان کشورهای قوی و کشورهای ضعیف تر بر شمرد، به عبارتی دیگر می توان گفت عدم تقارن ویژگی دوران های تحول سریع است و امروزه فضای ناشی از عمیق تر شدن شکاف دفاعی و نظامی بین کشورهای قوی و ضعیف دولت ها را به سوی جنگ ناهمطراز سوق داده است.

جنگ ناهمطراز اصطلاح شایع امروز است و حملات یازده سپتامبر به ایالات متحده امریکا نمونه مجسمی از آن محسوب می شود که طی آن مدعی تنها ابر قدرت جهان و صاحب تسلیحات هسته ای، موشک های کروز، ناوهای هواپیمابر، بمب افکن های مجهز و فناوری هوشمند مورد تهاجم قرار می گیرد، به رغم شایع بودن، در داخل کشور شاهد برداشت های متفاوتی از آن هستیم به نحوی که حتی توسط برخی مسئولین امر، مترادف با جنگ نامنظم به کار گرفته می شود و یا در برخی موارد مشاهده می شود که از مفهوم آن برای انطباق با مفاهیم و تجربه دوران دفاع مقدس استفاده می شود که ضرورت باز شناسی مفهومی آن را هر چه نمایان تر می سازد. بدین منظور در نوشتار حاضر سعی شده است در این راستا ضمن ارائه تعریفی جدید توسط نگارندگان، به زوایای مختلف موضوع اعم از تفاوت آن با تهدیدات ناهمطراز، مفاهیم، ویژگی ها و نوع شناسی آن پرداخته شود.

## واژگان کلیدی:

جنگ، جنگ اطلاعاتی، تهدیدات ناهمطراز، جنگ ناهمطراز

۱- استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع)

۲- دانشجوی دکتری امنیت ملی

## مقدمه

در میان نظریه پردازان راهبردی "سن تزو" بر این عقیده بود که جنگ اساساً برفریب استوار است وی در کتاب "هنر جنگ" می گوید:

"تمام جنگ ها مبتنی بر فریب هستند، وقتی با دشمن روبرو شدی او را به دام بینداز، گنج کن و ناگهان به او حمله کن، وقتی که دشمن خود را جمع و جور کرد و آماده مواجهه شد و زمانی که او قوی است از او بپرهیز." [۲]

هر چند مفهوم جنگ ناهمطراز به تازگی در ادبیات نظامی راهبردی دنیا به ویژه غرب و امریکا وارد شده است ولی مطالعه کتاب های تاریخ جنگ ها نشان می دهد مفهوم جنگ ناهمطراز ریشه در ادبیات کهن دفاعی دارد، مروری بر اندیشه های سن تزو در کتاب هنر جنگ و یا گفته های ماکیاوولی در کتاب خطابه ها این اندیشه ها را به خوبی نشان می دهد، لذا بدیع بودن جنگ ناهمطراز بیشتر به ادبیات و واژگان آن مربوط می شود تا مصادیق آن. جنگ ناهمطراز بر پایه اختلاف فاحش و فزاینده توانمندی های متعارف نظامی طرف های متخاصم استوار است و در این چارچوب است که با تکیه بر ضعف های یک طرف و نقاط قوت طرف دیگر یک درگیری مسلحانه شکل می گیرد و در نتیجه آن طرف ضعیف تلاش می کند تا ضریب به کارگیری توانمندی ها و هم چنین ضریب شناخت و سنجش آسیب پذیری های خود و دشمن را در سطح بالا نگه دارد، در جنگ ناهمطراز طرف ضعیف می تواند به عنوان یک بازیگر جدی نیروهای کشور قوی را مورد تهدید قرار دهد و حتی بازدارندگی و شکست را بر رقیب قوی تحمیل نماید.

برای کشورهایی که خصوصاً در طی دهه اخیر مورد تجاوز امریکا قرار گرفته اند برخورد متقابل نظامی از نوع کلاسیک، با قدرت بسیار عظیم نظامی ایالات متحده که از نظر هزینه نظامی با مجموع هزینه های نظامی ۳۳ کشور بعد از خود برابری می کند امری محال است زیرا نه توان انسانی مناسب و نه قدرت فناورانه برتر برای مقابله با تجاوز امریکا هستند، این کشورها اکثراً در وضعیت بسیار نامطلوب اقتصادی و سیاسی به سر می برند، پس چاره ای جز تقابل همه جانبه، با استفاده از تمامی امکانات متناسب و نا متناسب خود ندارند. [۳]

اگر یازده سپتامبر را یکی از جلوه های بارز جنگ ناهمطراز بدانیم در می یابیم که این نوع جنگ تا دهه های آتی دامنگیر کشوری همچون امریکا خواهد بود، این رویداد با توجه به آنچه در سیستم های اطلاعاتی به عنوان فعالیت اطلاعاتی صورت می گیرد یک غافلگیری اطلاعاتی محض بود، این غافلگیری آن چنان راهبردی بود که کشوری همچون امریکا

هرگز نتوانست از عهده پیامدهای جبران ناپذیر آن بر آید. [۴] و از سویی دیگر سیاست های جدید امریکا منجر به تضعیف سازمان ها و نهاد های حقوقی شده است و چشم انداز نوینی را ترسیم نموده که در آن جنگ اقویا با ضعفا نه تنها دیگر مردود و نامطلوب نیست بلکه ضروری و حیاتی نیز قلمداد می شود. [۵] نگاه مذکور که از منظر تهدیدات می باشد در واقع این ضرورت را ایجاب می نماید تا قبل از ورود به مطلب اصلی پس از گذری کوتاه به مفهوم کلی جنگ از دو منظر ابزار و هدف، به تهدیدات ناهمطراز نیز اشاره ای بکنیم و سپس به مفاهیم، ویژگی ها و نوع شناسی جنگ ناهمطراز بپردازیم.

### جنگ : ابزار یا هدف

کلاوزویتس در تعریف جنگ می گوید: جنگ اعمال زور برای وادار کردن دشمن به تن دادن به خواسته ماست که از برخی اهداف سیاسی ریشه می گیرد، هیچ کس جنگی را آغاز نمی کند (بلکه هیچ کس در تصورات خود نباید چنین اقدامی را انجام دهد) بدون این که نخست در ذهن خود روشن کند که هدفش از جنگ چیست و او چگونه می خواهد جنگ را هدایت کند. [۶]

جنگ به عنوان یکی از گزینه های مدیریت بحران جدا از علت و ماهیت آن در بستر شرایط شکل و قوام می گیرد و از این روی است که در بسیاری از موارد به رغم مخالفت افکار عمومی حادث می شود. [۷]

در گفتمان سلبی امنیت، جنگ به مثابه یک وضعیت، نه ابزاری صرف، یک اصل، نه امری گذرا و دارای ارزش راهبردی و نه گزینه ای تاکتیکی مطرح است. در این گفتمان امنیت در چارچوب جنگ معنا و مفهوم می یابد و جنگ دارای اصالت است و ماهیتی تهاجمی دارد. در درون راهبرد امنیتی بازیگران پیرو این گفتمان، جنگ دارای اولویت است و گزینه ای برای مواقع اضطراری به شمار نمی رود. به عبارت دیگر جنگ مفهومی کلان و وسیع دارد که هر دو زمان تعارض و صلح را شامل می شود. (در دوران تعارض بازیگران در حال جنگیدن و در دوران صلح در حال اندیشیدن کسب آمادگی برای جنگیدن) چون جنگ در گفتمان سستی دارای اصالت است لذا در مقام تعریف، صلح را به وضعیتی که جنگ نباشد تعریف کنند، حال آن که در گفتمان ایجابی جنگ به عنوان هدف، ارزش خود را از دست می دهد و به مثابه ابزاری برای موقعیت های اضطراری مطرح می شود و موقعیت گذرا و تاکتیکی با برد محدود محسوب می گردد. هم چنین در این گفتمان جنگ نسبت به صلح پدیده ای عرضی به شمار می آید، با این همه به رغم آن که تاکید بیش از حد به مقوله جنگ

در نگرش سلبی در واقع دلیلی برای تضعیف کاربرد این گفتمان در عرصه عملیاتی و ظهور گفتمان ایجابی گردید، تحولات سال های اخیر رویکرد گفتمان ایجابی را به حاشیه رانده است و مجدداً شاهد ارتجاعی نوین در نظام بین الملل هستیم که جنگ در کانون توجه آن قرار دارد و از این حیث جریان اصلی معادلات و تحلیل های امنیتی بیش از آن که ایجابی باشد، سلبی نگر است، لذا جنگ بار دیگر به متن سیاست بازگشته (البته مخرب تر و تهدید آمیز تر) و همین امر می طلبد تا تفکر در باره جنگ به صورت جدی آغاز شود تا بتوان برای تحدید این پدیده نوین به راهبردهایی تازه دست یافت. طراحی و عرصه جنگ های ناممطرز حکایت از آن دارد که تصورات در مقایسه با واقعیات از نقش بسیار حساس تر و موثر تری در وقوع منازعات برخوردارند تا آن جا که به تبعیت از والتز می توان تصورات را عامل موثر در پیدایش جنگ بین دولتها دانست. [۸] علاوه بر این مطلب از آن جا که تهدیدات ناممطرز در کلیه گزارش ها، اسناد و مکتوبات در کنار جنگ ناممطرز دیده می شود به نظر می رسد ضرورت دارد جهت روشن تر شدن موضوع و تفکیک امر به تهدیدات ناممطرز از منظر، جداگانه اشاره ای بکنیم.

### تهدیدات ناممطرز : واقعیت تا تصویری مجازی

“خطر و تهدید نامشخص است و لذا نمی توان تهدید مشخصی را تعریف کرد، به طور دقیق مشخص نیست که چه کسی ما را تهدید می کند ولی حدودی از این که با چه چیزی تهدید می شویم وجود دارد، دشمن به نقاط ضعف ما حمله می کند، نقطه ضعف هایی که برای ما مشخص نیست. بنا براین باید به تهدید ناممطرز فکر کنیم، ما هم باید ببینیم چگونه باید برتری های ناممطرز خود را مورد بهره برداری قرار دهیم. [۹]

مکنزی تهدیدات ناممطرز بالقوه شامل تهدیدات هسته ای، شیمیایی، بیولوژیکی، عملیات اطلاعاتی را مفاهیم عملیاتی و تروریستی دانسته است و آنها را نتیجه ی منطقی رویکرد های ناممطرزی می داند که در طول تاریخ مورد استفاده قرار گرفته اند و این احتمال را می دهد که تاثیرات حاصله از آنها به سطوح استراتژیک نیز راه یابد. عوامل شیمیایی، هسته ای و بیولوژیکی تشکیل دهنده جنگ افزارهای کشتار دسته جمعی هستند که به هر حال فرا روی یک بازیگر ناممطرز ظاهر می شوند، عملیات اطلاعاتی عبارت است از مهارت، کنترل و استفاده از انواع داده ها به هر دو صورت تهاجمی و تدافعی، این اصطلاح هم چنین به محروم کردن دشمن از اطلاعات (که در دکترین عملیات نظامی امریکا نقش اساسی دارد) اشاره دارد. مفاهیم عملیاتی کاربرد گسترده ی رویکرد های با فناوری پائین و فاقد فناوری

رادر جنگ های ناهمپراز و نیز استفاده ابتکاری از سیستم ها و تاکتیک های به جا مانده از قبل را مورد اشاره قرار می دهد. لفظ تروریسم به اقدامات آن دسته از عواملان غیر دولتی داخلی و خارجی اشاره دارد که می توانند رویکرد های دیگری از سایر عناصر عدم تقارن را مورد استفاده قرار دهند. تاکید عمده بر سلاح های هسته ای، شیمیایی، میکروبی و عملیات اطلاعاتی است؛ تروریسم، جنگ های چریکی، نیروهای ویژه، عملیات پنهان و مین گذاری در حوزه مفاهیم عملیاتی قرار می گیرند. [۱۰]

شایان ذکر است که دیدگاه ما با غربیان درباره ی عملیات تروریستی متفاوت است. در واقع عملیات تروریستی فقط بر نوعی از حملات که علیه غیر نظامیان خارج از معرکه جنگ صورت می گیرد قابل اطلاق است، ولی در ادبیات راهبردی مربوط به جنگ های ناهمپراز تروریسم به نوعی از حملات علیه نظامیان و غیر نظامیان اطلاق می شود که در مخالفت با منافع غربیان صورت می گیرد. به عنوان مثال امریکا حمله به پایگاه الخبر عربستان را اقدام تروریستی می داند، به هر حال به رغم تفاوت دیدگاه ها می توان برخی از عملیات های گروه های تند رو را که صرفاً با هدف قرار دادن مردم بی گناه و غیر نظامی صورت می گیرد نوعی حرکت تروریستی دانست و آنها را محکوم نمود. [۱۱]

تهدیدات ناهمپراز آسیب پذیری های نا شناخته را مورد هدف قرار می دهد و این قبیل تهدیدات معمولاً غافلگیرانه عمل می کنند، حمله در زمان های غیر منتظره و به شیوه های نا پیوسته میزان غافلگیری را در این نوع حملات بالا می برد پلانک می گوید: "تهدیدات راهبردی ناهمپراز چند بعدی شده اند، تهدیداتی که می توانند از زمین، دریا، هوا، زیر دریا، فضا و جو ریشه گرفته و می توانند یکی از اهداف را مورد حمله قرار دهند ... به عبارتی تهدیدها و عملیات علیه آنها دیگر تنها و منحصرأ با جغرافیا مشخص و تعریف نمی شود." [۱۲]

یکی از کارشناسان انگلیسی تهدیدات ناهمپراز را چنین تعریف می کند: ((هر تهدیدی که نا متناسب باشد از قبیل خطر یک گروه کوچک به یک کشور بزرگ یا حمله چند تن از افراد که هزاران نفر را می کشند به عنوان یک تهدید ناهمپراز توصیف می شود. [۱۳] اما نکته قابل توجه درباره ی تهدیدات ناهمپراز مساله تصویر سازی مجازی است. در واقع تفکیک بین قدرت و قدرت افکنی از آموزه های نوینی است که ریشه در مطالعات کلاسیک حوزه جنگ دارد که به دلیل وجود تقارن در دوران جنگ سرد مورد استناد واقع نمی شد. پس از جنگ سرد و در دهه ۹۰ اولین بار در گزارش چهار ساله بررسی دفاعی امریکا به

طور رسمی به وجود تهدیدات ناهمطراز اشاره شده است و مبنای استنتاج و تجویز دفاعی برای آینده امریکا قرار گرفته است که پس از آن در گزارش گرد همایی دفاع ملی امریکا به وضوح تصریح شده است که دشمنان امریکا احتمالاً توانسته اند با استفاده از راه های جدید به همطراز کردن توان اندک نظامی خود با توان بالای امریکا نائل آیند. نتیجه این تلاش انجام مطالعات موردی مستقل در باب تهدیدات ناهمطراز بود که در سند فراهم شده از سوی ستاد مشترک امریکا کراراً به آن استناد شده است و پس از تایید کنگره به درون استراتژی امنیت ملی امریکا در قرن ۲۱ وارد شده است. در حقیقت ایده قدرت سازی مجازی با ایجاد تصویری غیر واقعی از قدرت بازیگر رقیب بر آن است تا تعادل مورد نیاز برای استفاده از زور در دفع تهدیدات احتمالی را برای بازیگر برتر فراهم آورد و بدین ترتیب وجود تهدید ناهمطراز به عنوان مجوزی برای کاربرد نیروی نظامی در عرصه مناسبات بین المللی بر ضد کشورهای ضعیف محسوب می شود که این اقدام با انجام آسیب پذیری مجازی برای قدرت برتر تکمیل می شود. حمله امریکا به افغانستان را به عنوان مصداق می توان ذکر نمود. [۱۴]

الگوی عمومی تهدید چنین است که معمولاً از سوی قدرت بزرگتر به قدرت کوچکتر جریان دارد و قدرت کوچکتر با توجه به امکاناتش آن را مدیریت می کند (دفع تهدید یا تبدیل آن به فرصت و یا...) (لیکن گاهی جریان تهدید بر عکس می شود یعنی از سوی قدرت کوچکتر به سوی قدرت بزرگتر می باشد و برای قدرت بزرگتر امکان تهدید مشابه وجود ندارد. در این حالت تهدید، تهدید ناهمطراز گفته می شود از جمله نفوذ به سیستم هوشمند کنترل پرواز که می تواند آسیب های جدی و صدمات وسیعی را ایجاد نماید و اصلاً پتانسیل کافی جهت اقدام مشابه از سوی قدرت بزرگتر وجود ندارد. در بسیاری اوقات تهدیدات ناهمطراز مفهومی است که بیشتر از سوی قدرت های بزرگ به منظور توجیه جنگ و این که مشکل اخلاقی آن را بر طرف نمایند مطرح می گردد (چنانچه آمد، با تصویر سازی مجازی جهت بزرگنمایی قدرت ضعیف تر و آسیب پذیری مجازی جهت قدرت بزرگتر صورت می گیرد. این اقدام با استفاده از امکانات وسیع رسانه ای به منظور مطرح نمودن و از حاشیه به متن کشیدن قدرت کوچکتر، به صورت عملیات روانی به منظور ایجاد یک تصویر مجازی - واقعی از قدرت ضعیف تر در ابعاد بسیار بزرگتر و در نهایت توجیه جنگ صورت می پذیرد. طی این پروسه قدرت ضعیف تر که می تواند تهدیدات ناهمطراز ایجاد نماید و لذا همطراز با قدرت بزرگتر گشته به نمایش گذاشته می شود ولی در عمل جنگ قدرت بزرگتر

با همان قدرت ضعیف تر صورت می پذیرد.) لیکن جنگ ناممطراز از سوی قدرت ضعیف تر مطرح می باشد که در ادامه به آن پرداخته می شود .

### جنگ ناممطراز : مفهوم شناسی

استیون متز می گوید : در واقع عدم تقارن عنوانی کانونی در تفکر رسمی امریکایی در باره جنگ آینده تبدیل شده است، در حالی که دیدگاه مشترک ۲۰۱۰ که در سال ۱۹۹۶ منتشر شد به عدم تقارن یا برخورد های ناممطراز تصریحاً اشاره نکرده است. [۱۵]

برخی کارشناسان نیروی زمینی امریکا در مورد جنگ ناممطراز بر این عقیده اند که: "دشمنان ممکن است تلاش کنند تا با استفاده از نقاط ضعف ما و به کارگیری شیوه هایی کاملاً متفاوت با شیوه عملیات های نظامی امریکا قوای ما را مغلوب یا تضعیف نمایند. " در سند اصلی امنیت ملی امریکا در دسامبر ۱۹۹۹ جنگ ناممطراز این گونه تعریف شده است: "رویکرد های ناممطراز که دشمن ضمن بهره برداری از نقاط آسیب پذیر ما ، از نقاط قوت ما بر حذر بوده یا آنها را تضعیف می کند. " ستاد مشترک ارتش امریکا اخیراً "جنگ ناممطراز را این چنین تعریف کرده است :

" به کار گیری رویکردهای غیر قابل پیش بینی یا غیر متعارف برای خنثی نمودن یا تضعیف قوای دشمن و در عین حال بهره برداری از نقاط آسیب پذیر او از طریق فناوری های غیر قابل انتظار یا روش های مبتکرانه " [ ۱۶ ]

دانشگاه دفاع ملی امریکا در سال ۱۹۹۶ جنگ ناممطراز را چنین تعریف نمود : "به طور ساده تهدیدها یا فنون ناممطراز شرحی از جنگ نامنصفانه هستند که شامل استفاده از غافلگیری در تمام ابعاد عملیاتی و راهبردی و کاربرد سلاح ها در روالی که ایالات متحده امریکا برنامه ریزی نکرده باشد می باشد." [ ۱۷ ]

اسکلتون عقیده دارد :

" جنگ ناممطراز عبارت است از اندیشیدن ، سازماندهی کردن و انجام عملیات متفاوت از آنچه دشمن انجام می دهد، به منظور به حداکثر رساندن برتری های خود با بهره برداری از نقاط ضعف دشمن، این پدیده از آن جا بر می خیزد که یک نیرو توانایی های نوینی را به کار گیرد که نیروی دشمن نتواند آنها را تصور کند یا درک کند . " [ ۱۸ ]

دیوید ال گانگ از افسران بازنشسته ارتش امریکا در مورد جنگ ناممطراز چنین اظهار نظر می کند :

"جنگ ناممطراز عبارت است از درگیری که خارج از اصل و قاعده صورت گیرد یا یک

شیوه غیر مستقیم و فریب آمیز جهت تاثیر گذاردن بر موازنه و برابری نیرو در مقابل دشمن و ضربه به دشمن از طریق شناسایی نقاط ضعف آن [۱۹]

کنت مکنزی با ادعای این که تعاریف موجود به رغم این که نسبتاً دقیق هستند ولی برای توصیف جنگ ناهمطراز کافی نیستند تعریف زیر را ارائه می نماید:

“بازیگران ناهمطراز با هدف تضعیف عزم امریکا و به منظور دستیابی به اهداف استراتژیک مورد نظر، نیروی تاکتیکی یا عملیاتی ضعیف تر خود را بر ضد نقاط آسیب پذیر امریکا به کار گرفته و تاثیر نا مناسب را بر جای می گذارند.”

وی عامل تاثیر نامتناسب و دستیابی به اهداف استراتژیک با استفاده از منابع اندک و نیز باز شناسی صریح اهمیت عنصر روان شناختی را تفاوت های عمده این تعریف می داند. [۲۰]

به هر حال می توان گفت جنگ های ناهمطراز بر پایه تغییر مولفه های جنگ سنتی برای تحکیم دفاع در برابر دشمن قویتر از خود و حتی پیروزی در برابر آن استوار است. این که جنگ ناهمطراز پدیده ای بدیع در قرن بیستم یا نمونه ای مربوط به گذشته است موضوعی دارای اهمیت عمده نظری است. برخی این پدیده را جدید تصور و برخی نیز نوآوری آن را صرفاً در قالب عنوان و واژه پردازی دانسته و سابقه آن را به تاریخ جنگ ها نسبت می دهند چرا که همه جنگ ها تا اندازه ای ناهمطراز بوده [۲۱]. یا همه جنگ ها می توانند ناهمطراز باشند. [۲۲]

به رغم این که باید اذعان نمود که حتی امریکا بی ها به یک تعریف مشترک و قابل قبول برای همگان از این مفهوم دست نیافته اند و بسیاری معتقدند که ممکن است به کارگیری سلاح های انهدام جمعی برخورد ناهمطراز را به وجود آورد، مهذا تعاریف مذکور مدعای نویسندگان نوشتار را در تفکیک جنگ ناهمطراز از تهدیدات ناهمطراز کاملاً نمایان می سازد.

به رغم وجود مفاهیم متعدد که از زوایای گوناگون جنگ ناهمطراز را مورد توجه قرار داده اند، می توان ویژگی هایی را استخراج نمود که در شناخت مفهوم آن کمک شایانی خواهد نمود، نگارندگان با عنایت به این ویژگی ها تعریف زیر را که به نظر می رسد مجموعه ای از ویژگی ها را در بردارد مطرح می نماید:

“درگیری خارج از قاعده در تمامی سطوح تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی که طرف ضعیف تر سعی در حداکثر بهره برداری از نقاط ضعف دشمن و توانمندی های بدیع



خود در ابعاد فیزیکی و روانی جنگ همراه با یافتن راه های مبتکرانه جهت تغییر اراده دشمن دارد.

### جنگ ناهمطراز: ویژگی ها

“ همه ستیزه ها و جنگ ها تا اندازه ای ناهمطراز هستند و جنگجویان هوشمند و زیرک همواره از عدم تقارن بهره می برند. واژه عدم تقارن مانند هر واژه جدید مصطلح شده همواره در معرض سوء تفاهم گسترده قرار داشته است. اگر یک طرف دارای برتری در شمار نیروها و کیفیت یا برتری مادی، اخلاقی و یا مفهومی در برخی عرصه ها باشد آن گونه که کشورهای متلف در جنگ ۱۹۹۱ خلیج (فارس) انجام دادند این موضوع را به معنای صحیح، غیر همطراز نمی سازد، هر قدر تفاوت در شمار نیروها و کیفیت بتوانند وجود داشته باشد نیروهای نظامی متعارف باز هم طراحی شده، آموزش دیده و مجهز شده برای جنگ کردن با تصاویر خودشان در آینه هستند، نیروهایی که در سطح وسیع دارای شباهت هایی در زیر ساخت ها می باشند. یک جنگ ناهمطراز به معنای درست فقط در آنجا نیست که ابزار به کار گرفته شده ناهمطراز باشند، بلکه اهداف و آسیب پذیری ها نیز کاملاً با یکدیگر متفاوتند. برگرداندن امتیازات و برتری های دشمن علیه خودش، همان کاری که (بنا به فرض) القاعده با درخششی برجسته انجام داد نمونه بارزی از جنگ ناهمطراز است.” [۲۳]

به نظرمی رسد تمامی اقدامات ناهمطراز چه در قالب جنگ و نبرد نظامی و چه برخوردهای غیر نظامی دارای ویژگی های مشترکی هستند که در زیر به مهم ترین آن ها اشاره می شود:

#### ۱- عدم همطرازی شمار نیرویی و قدرت عملیاتی

هر چند امروزه تکیه بر فناوری های صنعتی و اطلاعاتی ارزش نیروی انسانی را تا حدی تحت تاثیر قرار داده است ولی کماکان تاثیر آن را نمی توان نادیده انگاشت، در جنگ ناهمطراز طرف ضعیف تر سعی در بهره برداری بیشتر از نقاط ضعف دشمن داشته و با شمار نیرویی بسیار کمتر و یا حتی بدون دخالت نیروی انسانی در درگیری مستقیم، با به کار گیری راهبردهایی چون عملیات انتحاری، هم شمار زیادی از نیروهای دشمن را از بین می برد و هم نیروهای خودی را حفظ می نماید (حمله به سفارتخانه امریکا در نایروبی با عملیات انتحاری).

## ۲ - ابزارهای مورد استفاده

جنگ نامطراز را می توان با ابزارهای ساده علیه ابزارهای پیشرفته آغاز و اداره کرد، در جنگ نامطراز ضرورتاً طرف های درگیر از نظر ابزار یکسان نیستند. البته نظر به این که دشمن قوی مجهز به فناوری های نوین و پیشرفته نظامی است طرف ضعیف تر با دست یابی به این گونه فناوری ها می تواند این فرصت فنی را از دشمن بگیرد. حتی ممکن است از جنگ افزارهای غیر متعارف نظیر سلاح های هسته ای، شیمیایی یا میکروبی استفاده شود که دشمن قوی با پذیرش آسیب غیر قابل انتظار نتایج نبرد را واگذار می کند.

## ۳ - روش اجرا

جنگ نامطراز محدود به روش های جنگ کلاسیک نبوده و تمایز تاکتیک های به کارگرفته شده و نیز استفاده از روش های مبتکرانه و فریب موجب سردرگمی دشمن می گردد به ویژه آن که در این جنگ ها تمایز میان نیروهای نظامی و غیر نظامی در آماج حمله وجود ندارد و آنجا که دشمن دارای آسیب پذیری های جدی از ناحیه نیروهای غیر نظامی است این امر می تواند در تحمیل اراده بر دشمن کارساز باشد.

از شیوه های گوناگونی می توان در جنگ نامطراز بهره جست از جمله می توان به عملیات کمین، عملیات شهادت طلبانه و کنترل از راه دور، عملیات اطلاعاتی، عملیات ربایش و گروگان گیری، عملیات توسعه بحران و یا عملیات ضربه و فرار اشاره نمود. [۲۴]

## ۴ - هدف قراردادن اراده دشمن

اراده دشمن هدف تمام رویکردهای نامطراز می باشد. رویکردهایی که با به کار گیری ماهرانه عامل روانی مستقیماً اراده ی دشمن را هدف قرار می دهند تاثیر به سزایی برجا گذاشته و می تواند کمبودهای موجود طرف ضعیف تر را جبران نماید، لذا یکی از اهداف اصلی در جنگ نامطراز محسوب می گردند. رفتار غیر انسانی نیز برای تاثیر در اراده و توان جنگی دشمن به کار گرفته می شود. با استفاده از شیوه های وحشیانه اعم از به کار گیری تسلیحات ممنوعه و هدف قرار دادن غیر نظامیان، نه تنها روحیه دشمن را نابود می سازد و می قبولاند که نباید رعایت رفتارهای انسانی را انتظار داشته باشد که به عکس همواره باید منتظر پذیرش چنین اقداماتی باشد و دشمن را نیز به تجدید نظر در رفتار انسانی در منازعه ترغیب خواهند کرد. [۲۵]

## ۵ - دستیابی به تاثیر استراتژیک

از ویژگی های بسیار برجسته در جنگ نامطراز کسب نتایج راهبردی در تمام سطوح

جنگ است. هدف بازیگر ناهمطراز تاثیر گذاری در بالاترین سطح ممکن می باشد هر چند که رویکرد های جنگ ناهمطراز در کلیه سطوح جنگ به کار گرفته می شود، لیکن همواره به دنبال کسب تاثیر استراتژیک هستند (سطح استراتژیک به معنای اعم کلمه، اقداماتی را شامل می شود که برای تحقق اهداف امنیت ملی و سیاست خارجی صورت می پذیرد) جنگ ناهمطراز در سطح تاکتیکی و عملیاتی متوقف نمی گردد بلکه به سطح راهبردی تصاعد می یابد بدین معنی که در سطح کلان یک کشور، منطقه و حتی در محیط بین المللی می تواند تغییرات اساسی ایجاد نماید. بمب گذاری سال ۱۹۸۳ در بیروت نمونه بارز از یک نتیجه مطلوب استراتژیک است که از یک اقدام تاکتیکی نشأت گرفته است، عملیاتی که منجر به خروج نیروهای امریکا از لبنان در سال ۱۹۸۴ گردید. [۲۶]

#### ۶ - اهمیت غافلگیری و ابتکار

استفاده از غافلگیری و عدم پیش بینی زمان و مکان وقوع عملیات در جنگ ناهمطراز ویژگی مهمی است که کارائی و اثر گذاری نیروهای دشمن را بسیار محدود می سازد و از آن جایی که جنگ ناهمطراز از نظر ابزار و روش با جنگ های کلاسیک متفاوت است سناریو سازی برای پیش بینی راهکار های مقابله مشکل بوده و از طرفی عامل انتظار نقش به سزائی در آفرینش تاکتیک و تکنیک های جدید در تقویت غافلگیری دارد.

#### ۷ - ناهمطراز بودن منافع

وقتی منافع حیاتی طرف ضعیف تر با منافع غیر حیاتی یک کشور قدرتمند در تضاد قرار می گیرند، بهترین فرصت برای کشور ضعیف تر جهت استفاده از رویکردهای ناهمطراز و کسب موفقیت در آن است. "مکنزی" معتقد است تا زمانی که منافع امریکا در مساله ای پایین تر از سطح منافع حیاتی اش قرار دارد، طرف ضعیف تر ممکن است بتواند شرایط درگیری را تحت کنترل در آورد در این شرایط ابتکار عمل در دست طرف ضعیف تر قرار می گیرد و خطری که او را تهدید می کند این است که بر اثر اشتباه در محاسبه یا از روی عمد منافع حیاتی امریکا را مورد حمله قرار دهد. وی دو نمونه تاریخی، اقدام نظامی امریکا در سال ۱۹۹۳ در سومالی علیه ژنرال محمد عبیدید و حمله ژاپنی ها را به پرل هاربر که منجر به عکس العمل امریکا و بمباران اتمی شد، به عنوان دو رویکرد موفق و ناهمطراز ذکر می کند که مورد اول به کارگیری موفقیت آمیز رویکرد ناهمطراز را در شرایطی بیان می کند که امریکا در آن دارای منافع حیاتی نبوده است و در مورد دوم شکست یک رویکرد ناهمطراز را در سطح استراتژیک نشان می دهد. [۲۷]

## ۸ - بسط محیطی

از ویژگی های منحصر به فرد جنگ نا همطراز محصور نبودن در مرز جغرافیایی خاص است که برای اجرای بهینه عملیات بسیار موثرتر است. در جنگ های کلاسیک و متعارف تمامی محاسبات بر اساس صحنه نبرد انجام می پذیرد اما در جنگ نا همطراز بهترین صحنه نبرد صحنه ای است که امکان وارد آوردن بالاترین ضربه به دشمن وجود دارد و محدود به مکان جغرافیایی خاصی نیست. بسیاری از نقاطی که در جنگ های کلاسیک و متعارف ممکن نبود آماج حمله قرار گیرند در جنگ نا همطراز آسیب پذیر خواهند بود.

## ۹ - قابلیت انعطاف بالا

در جنگ نا همطراز این مورد به دلیل ویژگی های خاصی که ذکر گردید در حد بالایی از بروز و اجرا قرار دارد. قابلیت انعطاف بالا در تمامی عناصر جنگ نا همطراز اعم از دکترین، اهداف، ابزار و روش ها دامنه ای بسیار گسترده، به گستردگی مصادیق جنگ های ابتدایی تا جنگ های فرایست مدرن دارد.

## ۱۰ - اثر بخشی بالا

تعدد و تنوع بسیار در ابزار، روش ها و قابلیت گسترده در انتخاب آن ها موجب به حداکثر رساندن قدرت و افزایش اثربخشی جنگ نا همطراز می گردد. عملیات روانی و فریب، جنگ سایبرنتیک، تخریب اطلاعات و استفاده نامتناسب از رسانه های جمعی، شیوه هایی هستند که جنگجویان نسل چهارم برای عملیات های نا همطراز از آن ها استفاده می نمایند. [۲۸]

## ۱۱ - عدم شناسایی دقیق

با عنایت به ویژگی های اشاره شده به ویژه قابلیت سیال بودن در زمان و مکان که از ویژگی های اصلی عملیات نا همطراز محسوب می گردد، شناسایی و رهگیری دقیق آن در بسیاری از موارد عملاً غیر ممکن یا بسیار مشکل می باشد.

در مجموع جنگ نا همطراز جنگی است که طرف های درگیر در آن در توازن نیرو و قدرت عملیاتی همطراز نیستند، در شیوه های سنتی برتری در میدان نبرد به عواملی از قبیل شمار نیروها، طراحی های عملیاتی، قدرت آتش و برتری اطلاعاتی متکی بود و اکنون تحولات دوران های سریع در هر یک از این عوامل تغییراتی بنیادین ایجاد کرده است که دیگر نمی توان هر یک از این عوامل را به تنهایی مبنای پیروزی دانست. [۲۹]

جنگ نا همطراز با ویژگی هایی که دارد دارای قابلیت بازدارندگی بوده و موجب تردید

یا تغییر در تصمیم دشمن می گردد، در واقع می توان گفت شیخ جنگ نامطراز به عنوان یک تهدید بسیار موثرتر از اجرای عملیات نامطراز است .

نکته حائز اهمیت دیگر در این رابطه ویژگی های استراتژیکی ملت ها است که اهمیت زیادی در رویکرد آن ها نسبت به جنگ نامطراز دارد. این که یک کشور معمولاً چگونه از خود دفاع کرده است ؟ آیا پیشینه جنگ نامطراز داشته است ؟ آیا نگرش زور گویانه یا بازدارنده در صورت دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی دارد ؟ و .... سوالاتی است که پاسخ آن ها از فرهنگ یک کشور نشات می گیرد و پیش از هر اقدامی بایستی پاسخ در خور را یافت. ( به عنوان نمونه چون بیشتر اعضای کادر رهبری کره شمالی قبلاً عضو نیروهای عملیات ویژه تحت امر کیم ایل سونگ در جنگ جهانی بوده اند کره شمالی همواره بر عملیات نیروهای ویژه پافشاری می کند). [ ۳۰ ]

همچنین ویژگی های مذکور موجب می گردد راه حل قاطع و صریحی برای مقابله با جنگ نامطراز که ممکن است شدت آن پایین ولی دارای تبعات استراتژیک است وجود نداشته باشد . در مجموع بایستی اشاره نمود که ویژگی های مذکور به هم مرتبط بوده و در مواردی هم همپوشانی دارند و از اولویت خاصی نسبت به هم برخوردار نیستند، معهداً جنگ نامطراز با ویژگی های خاص خود دارای انواعی است که جهت شفافیت بیشتر موضوع در ادامه به آن پرداخته می شود.

### جنگ نامطراز : نوع شناسی

جنگ هایی که بر پایه وارونه کردن نتیجه معمولی درگیری با دشمن قدرتمند از طریق به کارگیری شیوه ها و ابزارهای غیر معمول استوارند ممکن است به صورت های مختلف محقق گردند، در ادبیات مربوط به جنگ نامطراز انواعی از درگیری را برای آن بر شمرده اند برخی جنگ های چریکی و پارتیزانی ، شهری و نامتعارف همراه با به کارگیری سلاح های کشتار جمعی را از جمله آن ها دانسته اند. در مجموع باید گفت که جنگ های نامطراز بر تنوعی از رویکردهای متفاوت در انواع درگیری ها دلالت دارد که هر روز بر این شیوه ها و انواع آن افزوده می گردد. [ ۳۱ ]

به رغم این که برخی از اندیشمندان، انواع این جنگ ها را در عداد جنگ های غیر متعارف محسوب می نمایند و تهدیدات نامطراز را در حوزه جنگ های غیر کلاسیک تعریف می کنند، اما به جرات می توان گفت نوع، شکل و شیوه جنگ های نامطراز به طور اساسی آن ها را از جنگ های نامتعارف نیز متمایز می سازد. [ ۳۲ ]

هرچند تنوعی از شیوه‌ها و اشکال جنگ ناهمطراز ممکن است رخ دهد ولی با کمی تسامح می‌توان شناخته شده‌ترین انواع جنگ‌ها را در یک دسته بندی کلی به شکل زیر طبقه بندی و ارائه کرد: [۳۳]

۱ - جنگ با سلاح‌های انهدام جمعی

۲ - جنگ‌های چریکی و شبه نظامی

۳ - جنگ‌های تروریستی

۴ - جنگ اطلاعاتی

البته همواره تاکید عمده بر جنگ با سلاح‌های انهدام جمعی است که تمام ویژگی‌های یک جنگ ناهمطراز در این نوع، قابل توضیح است و بدون شک در عداد جنگ‌های ناهمطراز هستند. در تقسیم بندی کلی جنگ‌ها به دو نوع متعارف و غیر متعارف، جنگ‌های ناهمطراز که در برگیرنده جنگ‌های ویژه با سلاح‌های انهدام جمعی است در ردیف جنگ‌های غیر متعارف دسته بندی شده است، معهذاً شایان ذکر است که تقسیم متعارف و غیر متعارف بیشتر از دیدگاه ابزار مورد استفاده در جنگ موضوعیت دارد، لیکن جنگ ناهمطراز دارای ویژگی‌های خاص خود است که قبلاً به برخی از آن‌ها اشاره گردید.

۱ - جنگ با سلاح‌های انهدام جمعی

در اختیار داشتن جنگ افزار هسته‌ای بالاترین نشانه قدرت در جهان امروز محسوب می‌گردد. تهدید به آن بیشترین تاثیر را در سطح استراتژیک دارد اما در سطوح عملیاتی و تاکتیکی نیز منافع نامتناسبی را به همراه خواهد داشت. مکنزی از ژنرال ساندرجی رئیس اسبق ستاد نیروی زمینی هند نقل می‌کند که:

“اساسی‌ترین درسی که از جنگ خلیج فارس می‌توان گرفت این است که اگر دولتی بخواهد با آمریکا بجنگد باید از این کار خودداری کند، مگر این که به جنگ افزارهای هسته‌ای دست یابد.” [۳۴]

از سه نوع عنصر تشکیل دهنده جنگ افزارهای کشتار جمعی، جنگ افزارهای شیمیایی کم خطرترین و کم قدرتترین آن‌ها به شمار می‌روند. معهذاً هر گاه به عنوان تهدید علیه متحدان منطقه‌ای به کار گرفته شوند، بیشترین تاثیر ناهمطراز را از خود بجای می‌گذارد. اما بنظر می‌رسد در قرن ۲۱ سلاح‌های هسته‌ای در جایگاه دوم پس از جنگ افزارهای بیولوژیکی قرار می‌گیرند، این جنگ افزارها هم ارزان تر بوده و حمل و نقل و پنهان کردن آن‌ها ساده تر است و مهم تر آن که بسیار مهلک هستند و از سوی دیگر می‌توان آن‌ها را

به گونه ای به کار برد که ردیابی مهاجم بسیار مشکل باشد.

#### ۲ - جنگ های چریکی و شبه نظامی

هم چنین عدم تقارن و ناهمطرازی در شمار نیروها از مهم ترین محورهایی بود که جنگ های چریکی و شبه نظامی را به جنگ های ناهمطراز شبیه و نزدیک ساخته و این که با استفاده از نقاط ضعف و آسیب پذیری دشمن قوی تر می کوشیدند تا اراده خود را بر او تحمیل کنند یا از تحمیل اراده او جلوگیری نمایند، در این رابطه جنگ حزب ا... با اسرائیل نمونه بارزی از نوع ناهمطراز محسوب می گردد.

#### ۳ - جنگ های تروریستی

اصطلاح جنگ تروریستی نیز به رغم این که فقط بر نوعی از جنگ ها و حملات که علیه غیر نظامیان خارج از معرکه جنگ صورت می گیرد قابل اطلاق است معهداً امریکا حمله به پایگاه نظامی الخیر عربستان را تروریستی می داند و در ادبیات راهبردی مربوط به جنگ ناهمطراز، تروریسم به نوعی از حملات علیه نظامیان و غیر نظامیان اطلاق می گردد که در مخالفت با منافع غربیان صورت می گیرد. به هر حال گذشته از اختلافات موجود در ادبیات این اصطلاح درگیری های تروریستی که از نوعی غافلگیری برخوردار است در شمار جنگ های ناهمطراز محسوب می گردد. [۳۵]

#### ۴ - جنگ اطلاعاتی

جنگ اطلاعاتی، عملیاتی است که به منظور تاثیر گذاری بر اطلاعات و سیستم های اطلاعاتی دشمن با حفظ اطلاعات و سیستم های اطلاعاتی خودی صورت می پذیرد. [۳۶] کسانی که جنگ ناهمطراز را تنها تغییر تاکتیک می دانند باید گفت اصولاً میدان نوینی چون جنگ های اطلاعاتی و تاثیر گذاری کلان و وسیع این جنگ ها را نمی توان صرفاً با تغییر تاکتیک تفسیر کرد.

یکی از صورت های جنگ اطلاعاتی حمله به شبکه های رایانه ای یا حمله هکرهاست که مرتبط با حملات نرم افزاری به سامانه های اطلاعاتی است. چنین حملاتی مستقیماً اطلاعات را تحریف یا از بین می برد، بدون این که تغییر محسوسی در اصل آن به وجود آورد. بنابراین یک حمله به شبکه رایانه ای می تواند صورت پذیرد بدون این که منبع مورد هدف قرار گرفته از آن آگاهی یابد. سی سلوان در فصل هفتم کتاب انقلاب در امور نظامی خود می گوید بررسی های امریکا نشان می دهد که تا سال ۲۰۲۵ یا زودتر از آن، سامانه های فضایی امریکا، که بخش عظیمی از اطلاعات نظامی امریکا به آن بستگی دارد از

ماهنامه نگارش راهبردی، شماره ۸۹ و ۹۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷

سوی حملات جنگ اطلاعاتی در معرض خطر قرار می گیرد. شایان ذکر است که منظور از جنگ اطلاعاتی همانطور که اشاره شد حملات هماهنگ شده به منظور شکست دشمن با مورد هدف قرار دادن فناوری اطلاعات است و این نبرد با حملات هکرها که معمولاً بخاطر سرگرمی و هیجان صورت می گیرد تفاوت دارد .

مکنزی اعتقاد دارد این گونه حملات یکی از موثرترین حیطه های فعالیت در جنگ ناممطراز به حساب می آید. کشورهای قدرتمند برای انجام امور روزمره خود از امور بانکداری شخصی گرفته تا مدیریت کارخانه ها و کنترل ترافیک هوایی بیش از پیش به سیستم رایانه ای وابسته هستند که برخی از این سیستم ها حفاظت شده و بسیاری دیگر بدون حفاظت هستند، اما همه ی آن ها به یک دیگر وابسته اند که خود ضریب آسیب پذیری آن ها را افزایش می دهد. وی خطرناک ترین شکل جنگ اطلاعاتی را که کم تر به آن پرداخته شده، تهدید پالس الکترو مغناطیسی ارتفاع زیاد (HEMP) می داند که در واقع ترکیبی از جنگ افزار هسته ای و جنگ اطلاعاتی است، HEMP در اصل پیامد جانبی انفجار یک سلاح هسته ای است که در بالای جو زمین رخ می دهد و تمامی سیستم های الکترونیکی موجود در امریکا از رایانه های بزرگ ، هواپیما ها و ماهواره ها و سیستم های فضایی در برابر آن آسیب پذیر هستند این نوع خسارت بر برخی از سیستم های مخابراتی نظامی نیز وارد می شود . یک انفجار هسته ای خارج از جو به یک قدرت منطقه ای، این توانایی را می دهد که از جنگ افزارهای هسته ای با کاربرد غیر کشنده استفاده کند. یک انفجار ۲۰ تنی در ارتفاع ۱۵۰ کیلومتری هیچ گونه اشعه ی رادیو اکتیو قابل مشاهده و یا تاثیرات انفجار و آتش سوزی را در سطح زمین ایجاد نخواهد کرد، اما بر عملیات های هوایی ، زمینی ، فضایی و دریایی کشورهای قدرتمند جهانی اثرات مخرب قابل توجهی خواهد داشت. [۲۷]



## نتیجه گیری

راهبرد جنگ ناهمطراز را باید یکی از جدیدترین راهبرد های جنگی در دوران کنونی دانست ، ناهمطرازی میان کشورها و گروه های درگیر در جنگ ها، تفوق دائمی کشورهای قوی تر بر ضعیف تر و تحمیل اراده بر گروه ها، سازمان ها و کشورهای فرو دست، دیگر به سهولت و آسانی گذشته امکان پذیر نیست. می توان گفت یافتن راه هایی مبتکرانه برای جبران ضعف، پایه و اساس جنگ ناهمطراز محسوب می شود، لذا شاید نتوان برای هیچ یک از واحد های سیاسی کنونی امنیتی پایدار تصور نمود. جنگ های ناهمطراز می توانند به اندازه جنگ های کلاسیک و حتی در برخی موارد بیش از آنها گرانبارتر باشند با این وصف حتی کوچک ترین واحد های سیاسی را نمی توان نادیده گرفت. با راهبرد جنگ ناهمطراز با تکیه بر بهره برداری از امتیازات خودی و نقاط ضعف دشمن و با ضربه زدن به آسیب پذیرترین مواضع دشمن بدون محدودیت جغرافیایی همیشه و همواره می توان پاشنه آشیل هر غول جنگی را هدف قرار داد و پیروزی را از انحصار قدرت های بزرگ خارج ساخت. در واقع گستره جنگ ناهمطراز تنها شامل نیروهای نظامی ناهمطراز نشده و اینک طیف گسترده ای از ابزارها و شیوه ها را در برمی گیرد که امنیت ملی و توانایی های دفاعی حتی ابرقدرت ها را به چالش طلبیده است .

همان طور که آمد، جنگ ناهمطراز انواع و اشکال مختلف دارد و عدم تقارن می تواند در روش عملیات، نحوه استفاده از فناوری، طراحی و نحوه اداره عملیات و شکل سازمان هدایت کننده عملیات و یا زمان انجام عملیات باشد، معهذاً دارای ویژگی هایی خاصی است که آن را متمایز می سازد. در جنگ ناهمطراز دو طرف به دنبال روش هایی هستند که دیگری از آن غافل باشد، لذا درک روحیات، خفیات، پیشینه مبارزاتی و اطلاع از انگیزه جنگیدن و میزان مقاومت آنها امری ضروری است. چگونگی جنگیدن در جنگ ناهمطراز آنچنان متنوع است که به تنوع اندیشیدن انسان هاست و به کارگیری توانمندی های انسان ها آنچنان نامحدود است که هر اندیشمندی را به فکر کردن قبل از تجاوز و جنگ دعوت می کند .

## فهرست منابع

1. Steven Metz , "Armed conflict in the 21st century " (Newyork;RAND,2000)Pix
2. Sun Tezu , "The Art of war " , Samuel B . Gripfith ( trans ) , London , Oxford university press , 1971 , pp . 66-67.
3. دانیالی ، سیاوش . " نبرد ناهمطراز " . تهران ، انتشارات دافوس ، ۳۸۳ . ص ۴
4. کلهر ، رضا . " اطلاعات در جنگ ناهمطراز ، درسی از یازده سپتامبر " . تهران ، نشریه سیاست دفاعی ، شماره ۲۸ ، ۱۳۸۱ . ص ۵۰ .
5. افتخاری ، اصغر . " در باب جنگ : معنا و مقام جنگ در گفتمان های امنیتی معاصر " تهران ، نشریه راهبرد دفاعی ، شماره ۵ . ص ۱۷ .
6. گوردان ، جیمز ام دوپیک ، سولیوان ، " جنگ زمینی در قرن ۲۱ " ، ترجمه گروه روابط بین الملل . تهران ، نشریه سیاست دفاعی ، ۱۳۷۳ ، شماره ۳-۴ . ص ۵۹ .
7. دهشیار ، حسین ، " جنگ ناهمطراز ، حمله نیروهای امریکایی و انگلیس به عراق " ، تهران ، نشریه ایران ، ۱۳۸۱ ،
8. افتخاری ، اصغر ، پیشین ، صص ۷-۲۴ .
9. مکنزی ، کنت ، " جنگ ناهمطراز " ، عبدالمجید حیدری ، محمد تمنائی . تهران ، دانشکده فرماندهی و ستاد ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۸ .
10. Kenneth. F Mckenzie , " The Revenge of the Melians- ;Asymmetric Threats and the next QDR " Washangton D. C , Institute For National Strategic Studies , National Defense University 2000 , P. 19 .
11. کلهر ، رضا ، " راهبرد جنگ ناهمطراز " تهران ، نشریه راهبرد دفاعی ، شماره ۴ ، ص ۱۳۵ .
12. Stefan J. Blank , Rethinking Asymmetric Threat , Strategic Studies Institute , September 2003, P.31.
13. Andrew , Pinder , The Word Beyond 11th September , Focus On Asymmetric Warfare. [http:// www . mizg . com/ cgi / mzg/ int briefing / 221001. pdf](http://www.mizg.com/cgi/mzg/int_briefing/221001.pdf) . P. 2.
14. افتخاری ، اصغر ، " روش و نظریه در امنیت پژوهی " ، تهران ، پژوهشکده مطالعات راهبردی ، ۱۳۸۳ ، صص ۵۶-۵۸ .
15. Steven Metz , Armed conflict in the 21st century " The Information Revolution and Postmodern Warfare " strategic studies institute 2000- USA P. 40 .
16. مکنزی ، کنت ، پیشین ، صص ۴-۵ .
17. Stefan J. Blank , OP . cit , P. 2

18. Skelton, Ike, "Lessons For Asymmetric Conflicts" Military Review, Septe Oct, 2001, P. 23.

۱۹. دانیالی، سیاوش، پیشین، ص ۴۹.

۲۰. مکنزی، کنت، پیشین، ص ۵.

21. Bellamy, Christopher, "Tools of 111 Omen : The shifted Conflict Paradigm and Reduced Role of Conventional Military Power" Cambridge Review of International Affairs 2002 No 1 . P .152 .

۲۲. سفرانچوک، ایوان، "چچن: تجربه روسیه از جنگ ناهمطراز"، محمد فیروزی، تهران، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۲۲، ۱۳۸۳، ص ۷۸.

۲۳. کلهر، رضا، پیشین، ص ۲۳.

۲۴. دانیالی سیاوش، پیشین، صص ۵۹-۶۶.

۲۵. ساعد، نادر، "ارزیابی راهبرد جنگ ناهمطراز"، تهران، ماهنامه اطلاعات راهبردی، شماره ۳۶، ۱۳۸۵، ص ۲۷.

۲۶. مکنزی، کنت، پیشین، ص ۱۵.

۲۷. همان، صص ۸-۹.

۲۸. دانیالی سیاوش، پیشین، ص ۱۸.

۲۹. همان، ص ۵۱.

۳۰. بنت، بروس، "پاسخ به تهدیدهای ناهمطراز"، سید محمد کمال سروریان، گزارش راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۵۱.

۳۱. کلهر، رضا، پیشین، صص ۱۱۹-۱۲۰.

32. Skelton, Ike, "Americas Frontier Wars "Lessons for Asymmetric Conflicts", Military Review, Sept. Oct 2004, PP 25-26 .

۳۳. کلهر، رضا، پیشین، صص ۱۳۱-۱۳۶.

۳۴. مکنزی، کنت، پیشین، ص ۳۵.

۳۵. همان، ص ۱۳۵.

36. Yoshinhara, Toshi, Chimese information warfare, A phntom menel of emerging threat ? By RAND, NOV 2001, P. 9

۳۷. مکنزی، کنت، پیشین: ۶۶-۵۷.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی